

بازخوانی ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر؛ مورد پژوهی: استخوان‌بندی اصلی شهر تاریخی اصفهان

محمد رضا پورجعفر* - استاد تمام گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

علی اکبر تقوایی - دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.

پرویز آزاد فلاح - دانشیار گروه روانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

علی رضا صادقی - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

The Environmental Aesthetic Elements and Aspects of the Urban Form Case Study: the Main Structure of Esfahan

Abstract

There are two views on the concept of form. The first one looks at form versus content. Based on this old point of view, form or aspect is the shape and content is the performance of a phenomenon. On the other hand, according to the second perspective, form represents the aspect, structure, and the way content is developed, visualized, and expressed. From this standpoint, aesthetics is defined as emotional, obvious, and sensory presentation of a phenomenon which exposes itself to judgment. In other words, this core skeleton is responsible for transferring the city's message to its citizens and visitors. Other parts of the city, which comprise the non-core part of it, are taken to be environments for showing diversity, freedom, authority, and change. At this time, it appears that if we consider the urban form as all elements of natural and human-made environment that surrounds human being, which men can potentially connect with it, the core skeleton of the city can be a fundamental characteristic of the urban form. Since, the main skeleton of the city is comprised of such elements as the key axes of communication, major open spaces, public buildings, etc., with which people are always connected. On the other hand, environmental aesthetics is a paradigm that focuses on gaining aesthetic experience of the environment through focusing on the unlimited nature of natural environment and human made experience around the humans and the importance of perceiving such experience by humans. Such an experience could be as emotionally and cognitively rich and valuable as that which is gained from art and art works. Environmental aesthetics is one of the two or three important areas of aesthetics which have been taken into consideration since the second half of twentieth century. The most significant subjects, with which environmental aesthetics is involved, are those related to understanding of the universe aesthetics and world aesthetics whose constituents are not merely objects and phenomena. They are, rather, bigger elements found in the environment. Therefore, the domain of environmental aesthetics goes beyond the limited borders of the art world and human understanding and broadens to aesthetic understanding of natural and human-made artificial environments which are influenced by the presence of men. According to the foregoing, this paper uses descriptive-analytical research method, case study, text reviews, and visual documents and sources to review the visual-formal aspects (including visual characteristics of the physical environment such as the objective perspective and form of the city) and perceptive-meaning aspects (including the characteristics of behavioral environment such as urban subjective perspective and form) of the environmental aesthetic of the urban form. This important issue is achieved through reviewing and analyzing the main structure characteristics of Esfahan.

Keywords: Aesthetic Experience, Human-made Environment, Environmental Aesthetic Aspects, Esfahan Urban Form.

چکیده

به نظر می‌رسد اگر فرم شهر را کلیه عناصری از محیط طبیعی و انسان‌ساخت پیرامون آدمی بدانیم که انسان بطور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن قرار گیرد، استخوان‌بندی اصلی شهر مشخصه بنیادینی از فرم شهر باشد. از سوی دیگر زیبایی‌شناختی محیطی پارادایمی است که با تاکید بر نامحدود بودن تجربه محیط طبیعی و مصنوع پیرامون آدمی و اهمیت فهم انسان از آن، بر کسب تجربه زیبایی‌شناختی از محیط تاکید کرده است. تجربه‌ای که می‌تواند درست به اندازه تجربه‌ای که از هنر و آثار هنری بدست می‌آید، به لحاظ عاطفی و شناختی غنی و ارزشمند باشد. با توجه به آنچه گفته شد در این نوشتار با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری، به بازخوانی ابعاد بصری - فرمی (در برگزیده‌ی خصوصیات بصری محیط کالبدی مانند فرم و منظر عینی شهری) و ادراکی - معنایی (در برگزیده‌ی خصوصیات محیط رفتاری مانند سیما و منظر ذهنی شهری) زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر پرداخته شده است. این مهم از طریق بازخوانی و تحلیل ویژگی‌های استخوان‌بندی اصلی شهر اصفهان صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: تجربه زیبایی‌شناسی، محیط انسان‌ساخت، ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی، فرم شهر اصفهان.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۱۳۵۵۷۱؛ رایانامه: pourja_m@modares.ac.ir

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری آقای علی‌رضا صادقی با عنوان «تبیین نسبت حس تعلق با زیبایی‌شناسی محیطی در فضاهای عمومی شهر ایرانی اسلامی» است که به راهنمایی آقایان دکتر محمد رضا پورجعفر و دکتر علی اکبر تقوایی و مشاوره آقای دکتر پرویز آزاد فلاح در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران در حال انجام است.

مقدمه و بیان مساله

مطرح شدن مبحث زیبایی‌شناسی محیطی، به اوائل قرن بیستم (زمانی که مردم آگاهی بیشتری از محیط طبیعی و مصنوع پیرامون خود بدست آورده‌اند) و اوج گیری آن به اواسط قرن گذشته میلادی بازمی‌گردد. گسترش این مبحث همزمان با کاسته شدن از نفوذ نظریه‌های بی‌طرفی و فرمالیسم بردانش زیبایی‌شناسی بوده‌است. در واقع با گسترش نظریه اکسپرسیونیستی هنر، نظریه‌های بی‌طرفی و فرمالیسم به حاشیه رانده شدند و ادراک زیبایی‌شناختی دستخوش تغییر شد. این تغییر آنقدر اهمیت داشت که بتوان آن را تغییر در الگوی مسلط زیبایی‌شناختی دانست چراکه باعث شد پارادایم قدیمی تأمل بی‌طرفانه در ویژگی‌های اثر هنری جدا و منفک شده از بافت پیرامونش، رفته رفته جای خود را به پارادایمی دهد که بر برقراری رابطه عاطفی با جنبه‌های گوناگون پدیده و برخورداری از شناختی غنی از ویژگی‌های پدیده مورد مطالعه تأکید می‌کرد. اما پارادایم جدید تقریباً فقط متناسب درک هنر بود و در آن بحث درک زیبایی‌شناختی هر عالمی بجز عالم هنرکنار گذاشته شد و درک زیبایی‌شناختی محیط را ناقص، بی‌اهمیت، شخصی و نارسا می‌دانست. هیپورن در سال ۱۹۶۶ به شیوه نگرش زیبایی‌شناسی تحلیلی به موضوع شناخت محیط انتقاد کرد و بر ظرفیت محیط به عنوان منبعی که می‌توان با بهره‌گیری از آن به نوعی تجربه زیبایی‌شناختی متفاوت دست یافت، تأکید کرد. در واقع پارادایم زیبایی‌شناختی محیطی پارادایمی است که با تأکید بر نامحدود بودن محیط طبیعی و مصنوع پیرامون آدمی و اهمیت فهم انسان از آن، راه کسب تجربه زیبایی‌شناختی از محیط را هموارتر کرده است. این تجربه می‌تواند درست به اندازه تجربه‌ای که از هنر و آثار هنری بدست می‌آید، به لحاظ عاطفی و شناختی غنی و ارزشمند باشد.

از سوی دیگر طراحی شهری به شکل امروزی و به عنوان حرفه، علم و هنری در خدمت انسان، وظیفه ارتقاکیفیت محیط زیست شهری آدمی را - چه طبیعی و چه انسان ساخت - برعهده دارد. دانش طراحی شهری به عنوان یک رشته دانشگاهی، به طور مشخص در دهه‌های

میانی قرن گذشته میلادی و به دنبال همه گیر شدن اثرات مخرب ناشی از نگرش تک‌ساحتی به انسان و شهر پا به عرصه وجود گذاشت. نتایج ناشی از تسلط تفکرات مدرنیستی بر انسان و شهر از یک سو و بروز جنگ جهانی دوم و ویرانی شهرها در غرب از سوی دیگر، در پیشرفت سریع این رشته تأثیر به سزایی داشته است. این حرفه امروزه در کشورهای در حال توسعه چون ایران که با مشکلات کالبدی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از صنعتی شدن در شهرهای خود رو به رو هستند، مورد توجه بسیار قرار گرفته است. به واقع هدف عمده این دانش برقراری تعادل در رابطه بین انسان و محیط پیرامون اوست. چرا که انسان همواره با محیط اطراف خود در رابطه و تعامل بوده و احساس، ادراک و شهود جنبه‌های مختلف آن را از راه حواس خود، به ویژه حس باصره، در دستور کار خود داشته است. محیط پیرامون انسان از عوامل و پدیده‌های طبیعی، عناصر انسان ساخت و محصول توسعه و رشد جوامع انسانی و کنش متقابل بین پدیده‌های طبیعی و انسان ساخت شکل گرفته است. در واقع انسان همواره رابطه‌ای نزدیک، مستقیم و بدون واسطه با محیط پیرامون خود داشته و در این رابطه متعامل و پویا، هم استفاده‌کننده از محیط، هم خلق‌کننده محیط و هم متاسفانه تخریب‌کننده محیط بوده است. امروزه نتایج حاصل از استفاده نامطلوب انسان از محیط طبیعی و انسان ساخت اطراف خود، علاوه بر مشکلات کالبدی و عملکردی، زمینه گسست پیوند معنایی - ادراکی میان انسان و شهر را بیش از پیش فراهم آورده است. از اینرو طراحی شهری به عنوان حرفه، دانش، علم و هنری که وظیفه ارتقاکیفیت محیط زیست طبیعی و مصنوع آدمی را برعهده دارد، تلاش دارد تا با استفاده از تکنیک‌های طراحی محور و تأکید بر ترجیحات انسانی، زمینه پیوند معنایی - ادراکی میان شهر و شهروندان را فراهم آورد. در مباحث طراحی شهری و در فرآیند بهبود کیفیت محیط، ارتقاکیفیت‌های زیباشناختی محیطی در عرصه‌های عمومی شهری از جایگاه والایی برخوردار است. با توجه به آنچه گفته شد بازشناخت ابعاد و عناصر زیبایی‌شناسی محیطی فرم ضروری به نظر می‌رسد. از اینرو این نوشتار با استفاده از

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۸۸

روش‌های تحقیق توصیفی و تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری و از طریق بازخوانی و تحلیل ویژگی‌های استخوانبندی اصلی شهر اصفهان، به ارائه ابعاد و عناصر زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر پرداخته است.

چارچوب مفهومی موضوع پژوهش

رویکردهای اصلی در زمینه فرم، فرم شهر و استخوانبندی اصلی در طراحی شهری در مورد مفهوم فرم، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول

معتقد به وجود فرم در برابر محتوا است. در واقع بر اساس این دیدگاه، که تفکری قدیمی است، فرم یا صورت، شکل یک پدیده و محتوا همان عملکرد یک پدیده است. اما در دیدگاه دوم فرم، ظاهر، ساختار، چگونگی و نحوه رشد محتوا و تجسم و بیان آن است. از این دیدگاه تعریف زیباشناختی فرم عبارت است از تظاهر حسی و واضح و قابل احساس یک پدیده که خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد. در جدول شماره ۱ مفاهیم مرتبط با این دو دیدگاه در زمینه فرم بیان شده است.

جدول ۱. دیدگاه‌های مختلف در مورد فرم و مفاهیم مرتبط با آن؛ ماخذ: نگارندگان با استفاده از منابع گوناگون.

بنیان فکری دیدگاه		تعاریف فرم
دیدگاه اول	فرم در برابر محتوا است. (فرمالیسم)	فرم به طور کلی شکل یا ساختار یک چیز منفک از موادی که آن را ساخته‌اند و منفک از مضمون یا محتوای آن است. فرم به عنوان اصطلاحی در زیبایی‌شناسی، به عناصر مفهومی یک کار هنری و به ارتباطات میان عناصر مزبور اشاره می‌کند. فرمالیسم آن دکترین زیباشناختی است که در آن این عناصر فرمال و مرتبط با هم، جایگاه اصلی ارزش زیباشناختی را می‌سازند. ارزشی که مستقل از ویژگی‌های دیگر یک اثر هنری مانند معنا، مرجع یا سودمندی آن می‌باشد (Enc. Of Aesthetics, ۱۹۹۸, ۲۱۳). در واقع هرگونه نقدی که نفس یک اثر هنری، و نه سازنده و مخاطب آن را، به عنوان موضوع اصلی خود مورد توجه قرار دهد و نحوه ساخته شدن اثر را مطالعه کند، سر و کارش با ویژگی‌های فرمی آن خواهد بود (شپرد، ۱۳۷۷، ۷۳). از جمله ویژگی‌های فرمی در معماری می‌توان از تقارن، تناسب، وزن بصری، ریتم، غلبه خطوط عمودی یا افقی در کل ترکیب‌بندی و از ویژگی‌های فرمی در شهرسازی می‌توان از میزان محصوریت، وجود محور، میزان اوج و فرود و شکل خط آسمان، بود و نبود تجانس و تشابه در نماهای ساختمان‌های به وجود آورنده فضای شهری نام برد.
	فرم چگونگی و بیان محتوا است.	تجزیه یک پدیده به فرم و محتوا فقط به صورت انتزاعی امکان‌پذیر است. هیچ فرمی را بدون محتوا نمی‌توان تصور کرد و نه محتوایی را می‌توان بدون فرم تخیل کرد. فرم جنبه قابل احساس یک پدیده است. فرم همیشه حالتی کالبدی ندارد. فرم، ظاهر، ساختار، چگونگی و نحوه رشد محتوا و تجسد و بیان آن است. تعریف زیباشناختی فرم عبارت است از تظاهر حسی و واضح یک پدیده که خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد. (گروتز، ۱۳۸۳) عنصر زیباشناختی یک اثر نه فقط در فرم آن که در محتوای آن نیز وجود دارد. منظور از تظاهر حسی، ظاهر بالقوه یک پدیده است که در فرایند ادراک خود را بالفعل نموده، توسط انسان احساس می‌شود. این عینیت پس از ادراک و تجربه توسط انسان ارزش‌گذاری شده و فرد در مقابل آن عکس‌العمل عاطفی و عقلی نشان می‌دهد. (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۵۰-۵۸) فرم یا صورت، کلیتی است وحدت یافته از شاخص‌های کالبدی و غیر کالبدی. جنبه کالبدی فرم دارای شکل، رنگ، گشتالت، بافت، پیکره، جایگاه، جهت (وضع قرارگیری)، تعادل بصری (درجه سختی و نرمی)، ساختار و غیره می‌باشد. منحصر کردن فرم به شکل نه فقط مجاز نیست، بلکه تالی فاسد خود را به همراه دارد. مهمترین آن گریبانگیر طراحانی است که معماری و طراحی شهری را، فقط تأثیرگذاری بر وجوه کالبدی و بدتر جنبه‌های بصری کالبدی می‌پندارند (زیرا شکل یک امر بصری است). فرم یا صورت خود را در سه بعد مطرح کرده و فقط در قالب زمان و مکان ادراک می‌شود. (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۱-۷۴)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

■ ۸۹ ■

از سوی دیگر شهر به عنوان ساختاری مصنوعی، یک محیط محسوب می‌گردد و محیطی است که مستقل از شخص ادراک کننده عمل می‌کند. انسان در برخورد با محیط شهری با انبوهی از اطلاعات در زمینه‌های مختلف روبروست که می‌تواند اطلاعات را برداشت، اندازه‌گیری، توضیح و شمارش کند. این اطلاعات معرف مشخصات واقعی شهر و واقعیت‌های موجود در محیط می‌باشند. این اطلاعات در مجموع در ادبیات طراحی شهری به «فرم شهر» معروفند. البته لازم به ذکر است که منظور از «فرم شهر» به عنوان یک اصطلاح رانمی‌بایستی با منظوری که از اصطلاح «فرم» میان کلیه طراحان از نقاشی گرفته تا معماری و طراحی شهری می‌رود اشتباه گرفت. در اولی که واژه‌ای ترکیبی است و منظور کلیه اطلاعات محیطی است؛ در صورتی که در دومی منظور از «فرم»، ظاهر یا صورت در مقابل محتوا می‌باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

در واقع فرم شهر از کلیه عناصر و اجزای کالبدی و قابل رویت شهر شکل می‌پذیرد و متشکل از عناصر طبیعی و مصنوع می‌باشد. فرم شهر ماهیتی ترکیبی و سه بعدی دارد. کوچکترین اجزا و عناصر مصنوع این ترکیب، ساختمان‌ها، شبکه راه‌ها، فضای باز و تاسیسات شهری می‌باشند. عناصر عمده محیط طبیعی، مثل ناهمواری‌های زمین، جریان‌های آبی، و پوشش گیاهی، در چگونگی و فرم ترکیب عناصر کالبدی دخالت دارند. فرم مشخصه‌ای سه بعدی است، بدین معنا که نه تنها در سطح، بلکه در حجم نیز متبلور است. هر کدام از عناصر شهری که به منزله یک سلول شهری می‌باشند، به تنهایی «فرم» ویژه خود را دارند. ترکیب مجموعه‌ای از آنها نیز به پدید آمدن یک «فرم شهری» منجر می‌شود (حمیدی، ۱۳۷۲، ص ۴۲۳-۴۲۴). در همین زمینه مورفولوژی شهری، مطالعه فرم و شکل سکونتگاه‌هاست و باعث می‌شود که طراحان از الگوهای مکانی توسعه و فرایندهای تغییر و تحول آگاه شوند. کار ابتدایی و اصلی در این نوع مطالعات متمرکز بر تحلیل تکامل و تغییر در فضای شهری سنتی است. مورفولوژی شهری نشان می‌دهد که سکونتگاه‌ها را می‌توان توسط عناصر کلیدی ای چون کاربری‌های زمین، ساختارهای ساخت و ساز،

الگوی قطعات و الگوی خیابان مورد بررسی قرار داد و بر تفاوت دوام و طول عمر این عناصر تاکید می‌کند به طوری که الگوی خیابان پردوامترین و کاربری کم دوامترین و متغیرترین آنها می‌باشد. در واقع هرچه مقیاس عنصر بزرگتر باشد، دوام آن بیشتر است و تغییر و تحولات در آن زمان بیشتری می‌برد. (Carmona, 2006, p63).

از اینرو «فرم شهر» شامل کلیه عناصر محیطی است که انسان بطور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن قرار گیرد. بنابراین کلیه اطلاعات واقعی در محیط شهر، «فرم شهر» نامیده می‌شود. عناصر تشکیل دهنده «فرم شهر» می‌تواند مادی یا غیرمادی باشند. به همین خاطر کلیه جنبه‌های عملکردی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و کالبدی یک محیط یا یک شهر را شامل می‌گردد. در وادی طراحی شهری فرم شهر نه فقط ظاهر یا کالبد یک فضا، بلکه معنا، فعالیت‌ها و کاربری‌های منتج از آنان را نیز شامل می‌گردد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۶). انواع فرم شهر را از زوایای گوناگونی می‌توان بررسی کرد. کوین لینچ در کتاب شکل (فرم) خوب شهر، فرم شهر را از دید شکل کلی شهر؛ از دید مکان‌های مرکزی؛ از دید بافت و ساخت شهر؛ از دید نوع شبکه‌های ارتباطی؛ از نظر فضاهای باز عمومی؛ و از نظر سازمان زمانی (و نه فضایی) شهر بررسی کرده است. به واقع فرم شهر برآیند نیروهای اقتصادی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه است که خود را در کالبدی سه بعدی نمایش می‌دهد. جان جامعه انسانی در جسم فرم شهری نمودار می‌شود. نوع درآمدهای اقتصادی، جریان سرمایه، تحولات و پیشینه تاریخی یک شهر به همان اندازه در شکل و فرم بیرونی آن متجلی می‌شود که نوع حکومت، شیوه‌های اداره‌ی جامعه، سلیقه‌ی زیبایی شناختی مردم و فناوریهای ساخت جامعه. اهمیت فرم شهر، به خاطر نقشی است که فرم شهر می‌تواند در تحقق اهداف یک شهر بر عهده داشته باشد؛ چرا که بین بعضی از اهداف شهر و فرم شهر رابطه مستقیم وجود دارد. بعضی از اهداف مثل اهداف دفاعی و امنیتی، تاثیر مستقیم و بعضی دیگر مثل اهداف اقلیمی و جغرافیایی، تاثیر ضمنی بر فرم شهر می‌گذارند. (طیبی و غفاری، ۱۳۸۹) بدین ترتیب اگر بپذیریم که ایجاد تصور ذهنی از محیط شهری ایجاد حس جهت‌یابی، بالا

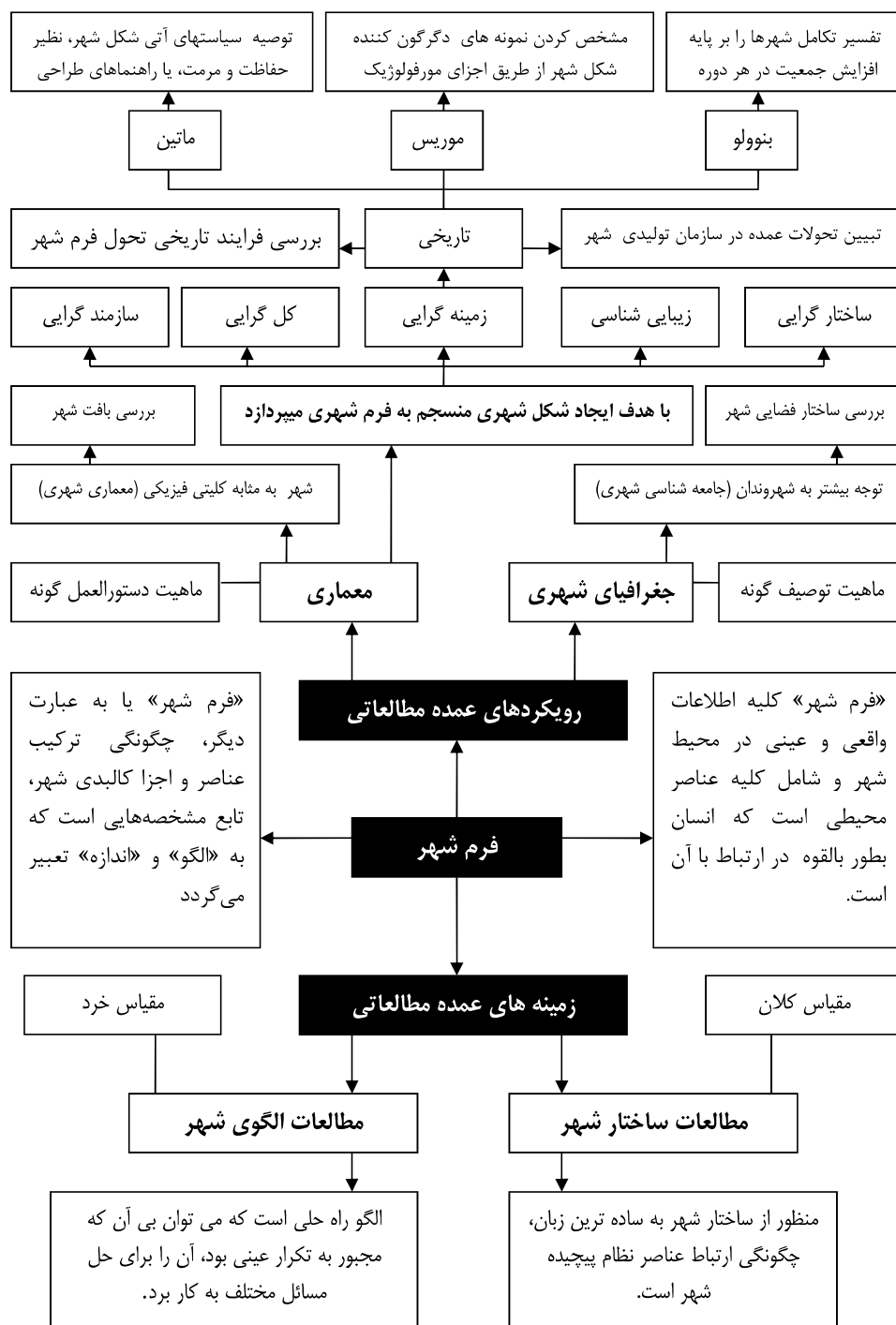
محدوده‌ای خاص از شهر که در آن تمرکزهایی کالبدی و فعالیتی و فضایی وجود دارد، اطلاق می‌شود؛ مجموعه‌ای مرکب از یک ستون فقرات و شبکه‌ای به هم پیوسته از بناها و فعالیت‌ها و کاربری‌ها و عناصر مختلف و متنوع شهری که شهر را در کلیت آن انسجام می‌بخشد و شالوده سازمان فضایی-کالبدی شهر را به وجود می‌آورد و مبین خصوصیات کلی شهر است. عناصر به وجود آورنده استخوان‌بندی اصلی، در سه گروه: ۱- عناصر کالبدی: (دسترسی‌ها، بناهای شاخص و با ارزش عمومی، بافت‌ها و حوزه‌های همگن با ارزش تاریخی و غیره)؛ ۲- عناصر عملکردی و فعالیتی و ۳- عناصر فضایی-بصری نمادین و معنایی قابل تقسیم است (حمیدی، ۱۳۷۶، ص ۱-۳). سازمان فضایی استخوان‌بندی اصلی در سه حالت صورت می‌پذیرد: ۱- هندسی منتظم (دایره، مربع، چندضلعی منتظم و غیره)؛ ۲- ارگانیک و اندام‌وار؛ و ۳- مرکب که حاصل ترکیب دو حالت هندسی و ارگانیک است. در نحوه قرارگیری و سازمان فضایی عناصر استخوان‌بندی اصلی و رشد و گسترش این عناصر که در نهایت موجبات گسترش شهر را فراهم می‌آورند، عوامل طبیعی و مصنوع در شهر و پیرامون آن و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عملکردی شهر نقش موثری دارند. ذکر این نکته لازم است که استخوان‌بندی اصلی شهر در هنگام رشد و توسعه شهر، معمولاً به دلیل عوامل تاثیرگذار بالا، از مدل مرکب تبعیت می‌کند. تراکم کالبدی و عملکردی، همچنین تداوم بصری و فیزیکی استخوان‌بندی اصلی باید متناسب با نیازهای شهر و شهروندان و استفاده‌کنندگان از محیط و پاسخگوی این نیازها باشد. همچنین نسبت توده به فضای عمومی شهری و سازگاری و تناسب فرم شهری و فعالیت در محدوده استخوان‌بندی اصلی باید از الگوهای متنوع و در عین حال منحصر به فردی تبعیت کند تا ساخت اصلی شهر از تمایزی شاخص با دیگر بخش‌های شهر برخوردار گردد و موجبات تشکیل حوزه‌ای همگن و هماهنگ در محدوده ساخت اصلی را فراهم آورد. استخوان‌بندی اصلی شهر به عنوان یک کلیت و عناصر آن به عنوان اجزای این کلیت، مؤلفه‌های هویت دهنده‌ی شهر به شمار می‌آیند و به

بردن راندمان و کارایی شهر، ایجاد حس ایمنی، امنیت و شادی و به طور خلاصه کارکردهای بصری-ادراکی، یکی از دو کاربرد اصلی مقوله‌ای است که اصطلاحاً فرم شهر نامیده می‌شود بدین ترتیب اهمیت فرم شهر، به عنوان ظرفی که امکان می‌دهد تا فعالیت‌های شهری در آن وقوع بپیوندد، بیش از پیش آشکار می‌گردد. (جورابچی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵-۱۶۶).

در زمینه رویکردهای مختلف در زمینه فرم شهر باید گفت که رویکردهای عمده، که از دو حوزه‌ی مطالعاتی گوناگون به فرم شهر می‌پردازند، جغرافیای شهری و معماری هستند. تفاوت میان ماهیت توصیف گونه‌ی اولی و ماهیت دستور العمل گونه‌ی دومی، زمانی که هر دو بر پدیده‌های شهری متمرکز می‌شوند، به حداقل می‌رسد. جغرافیا، که با توصیف پدیده‌ها بر سطح کره‌ی زمین، کارش را آغاز کرده بود، در زمینه‌ی جغرافیای شهری تا سطح مطالعات درون شهری، باریک بین شد. از سوی دیگر، معماری که در ابتدا، عمدتاً متوجه طراحی و ساخت ساختمان‌های منفرد بود، دامنه‌اش را گسترده کرد تا کل شهرها را پوشش دهد. صرف نظر از این نقاط مشترک، رویکردهای متفاوت شان به درک پدیده‌های شهری، که در زمینه‌های متفاوت مورد علاقه شان انعکاس یافته است، آن‌ها را از هم جدا نگه داشته، و شکافی میان آن دو برجا گذاشته است. در حالی که معماری شهری معمولاً شهر را کلیتی فیزیکی می‌بیند، جغرافیای شهری، درکنار جامعه‌شناسی شهری، بیشتر توجه‌اش را معطوف مردمی‌کرده است که در این بافت زندگی می‌کنند. بدین طریق، جغرافیای شهری متوجه بررسی ساختار فضایی شهر است تا بررسی بافت شهر، که در حوزه‌ی معماری شهری قرار دارد (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۴۹) در نمایه شماره ۱، رویکردهای مختلف در زمینه فرم شهر دسته‌بندی شده است.

پس از شناخت مفاهیم فرم و فرم شهر و در زمینه مطالعات ساختار شهر (به عنوان یکی از زمینه‌های مطالعاتی اصلی فرم شهر) به بررسی مفهوم و ویژگی‌های ساختار اصلی یا استخوان‌بندی اصلی شهرها و نقش آن در هویت بخشی به ساختار کالبدی شهر پرداخته شده است. استخوان‌بندی اصلی شهر به

سبب نقشی که در به وجودآوری تصویر ذهنی از شهر و ایجاد خاطره‌ی مطلوب از آن در ذهن ناظر برعهده دارند، از عوامل اصلی خوانایی و جهت یابی هستند. در واقع ساخت اصلی شهر مانند یک شبکه ارتباطی، وظیفه انتقال پیام و اطلاعات بصری، فضایی، عملکردی و معنایی را به شهروندان و بازدیدکنندگان برعهده دارد.



نمایه ۱: رویکردها در زمینه فرم شهر؛ ماخذ: نگارندگان با استفاده از منابع گوناگون.

زیبایی همیشه با تحسین بشر همراه بوده است (McGann, 2004). گویا انگیزه زیبایی‌شناسی عمیقاً در طبیعت انسان جا گرفته و آن را به سادگی نمی‌توان از حیات پیچیده ذهنی وی که وجه تمایز انسان از حیوان است، جدا کرد (هاسپرز و اسکرتن، ۱۳۸۰، ص ۸۲). برای زیبایی‌شناسی تعاریف و مصادیق فراوانی بر شمرده‌اند که همگی در جای خود درست اما از جهاتی ناقص است؛ در فرهنگ «اصطلاحات فنی و نقادانه فلسفی» لالاند، زیبایی‌شناسی دو معنا در بر می‌گیرد: «۱- هر آنچه به زیبایی مرتبط شود و هر آنچه منش زیبایی را تعریف کند؛ ۲- علمی که موضوعش داور و ارائه حکم، درباره تفاوت میان زیبا و زشت باشد» در «لغت نامه دهخدا» زیبایی‌شناسی، شناختن زیبایی و رشته‌ای از روانشناسی است که هدفش شناساندن جمال و هنر است. در فرهنگ «زبان فلسفی فولک» زیباشناسی دانش اثباتی است که موضوعش زیبایی هنری باشد و مترادف با فلسفه هنر انگاشته شود (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۶). «زیبایی» نمودی از پدیده است که پس از ادراک توسط حواس و انتقال به مرکز اندیشه یا مشاهده ادراک‌کننده، آن خاصیت را دارد که واکنش‌هایی مبتنی بر تجربه‌های اندوخته شده را برانگیزد (نیوتن، ۱۳۶۶، ص ۲۷۵). در چپستی زیبایی، «گروتز» بر این نکته اشارت دارد که زیبایی معماری را می‌توان پیامی به سوی حواس یا پذیرنده‌های دریافت‌کننده زیبایی دانست که از پرت اطلاعاتی کافی برخوردار باشد یعنی میزان بداعت آن یا محتوای زیبا شناختی از حداکثر دریافت ذهنی کمی بیشتر باشد (گروتز، ۱۳۸۳). زیبایی‌شناسی یا استیتیک از واژه یونانی *Aistheta* به معنی ادراک حسی گرفته شده و بُن آن واژه *Aistheta* به معنای مورد ادراک حسی یا چیز محسوس است. ریشه این لغات واژه لاتین *Esthetique* بوده که امروزه در تمام زبان‌های اروپایی استفاده می‌شود و اولین بار توسط فیلسوف آلمانی الکساندر گوتلیب بومگارتن در کتابی به همین نام در سال‌های ۵۸-۱۷۵۰ به کار برده شد (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۰). در واقع واژه زیبایی‌شناسی (*Aesthetic*) به معنای شناخت حاصل از راه حواس، یعنی همان معرفت حسی را نخستین بار الکساندر باومگارتن در قرن

هجدهم به کار برد. او بعدها از این واژه در اشاره به ادراک زیبایی به کمک حواس، به ویژه در هنر بهره جست. کانت با کاربرد این واژه در احکام زیبایی‌شناسی در هر دو عرصه‌ی هنر و طبیعت به آن جانی تازه بخشید. دامنه این مفهوم در ادوار متأخر بار دیگر گسترده‌تر شده است. اکنون این واژه رانه تنها در توصیف داورها یا ارزیابی‌ها، که در مورد ویژگی‌ها، نگرش‌ها، تجربه و لذت یا ارزش نیز به کار می‌گیرند و دیگر آن را به زیبایی صرف محدود نمی‌سازند.

زیبایی‌شناسی محیطی، پیوندی چندحسی و فراگیر با محیطی است که انسان‌ها از اجزای اصلی آن هستند. در زیبایی‌شناسی محیطی، هنگامی که احساس زیبایی یا تعالی در حد بالایی قرار گیرد، تجربه زیبایی می‌تواند بسیار قوی و دارای تحریکات ذهنی ارزشمندی باشد. در اینگونه زیبایی‌شناسی، زیبایی یا تعالی می‌تواند احساس لذتی روزمره و معمولی در اطراف انسان باشد که بیشترین حد آن در محیطی است که با کیفیت‌های همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن همراه است. در نظریه زیبایی‌شناسی وایتهد بیان می‌شود که بزرگی یا تنوع تباین‌ها، همراه با خصوصیت شدت یا بزرگنمایی قیاسی، بدون نیاز به تنوع کیفی، قادرند محیطی قدرتمندی ایجاد کنند. در واقع در زیبایی‌شناسی محیطی، کیفیت‌های همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا به زیبایی و تعالی در محیط پیرامون انسان معنا بخشند. (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳-۱۲۶) با مرور تحقیقات انجام شده در حوزه زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری در نیم قرن اخیر مشخص می‌شود که مباحث زیبایی‌شناسی در این حوزه، از مقوله‌ای با تاکیدات بصری - هنری به مقوله‌ای با گرایش‌های ادراکی - معنایی تغییر جهت داده است. این موضوع در تغییر از سبک پیتورسک به گرایشات معناشناسانه در زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری به خوبی نمایان است. پیتورسک با تاکید بر معمارانه بر جنبه‌های بصری - هنری منظر از جمله توجه به کثرت و تنوع، مقیاسی انسانی، طبیعت‌گرایی و نظمی ارگانیک در فرم و ترکیب رنگ، توسط افرادی چون زیته، گیرد، و هالپرین رواج می‌یابد (6) (6)



(Sitte, 1945; Gibberd, 1945). برخلاف مدرن‌گرایی که «معماری شی‌گونه» را تبلیغ می‌کنند، کالن به «هنر ارتباطات» اهمیت می‌دهد، تجربه مکان را با حرکت درهم می‌آمیزد و دیدهای متوالی از محیط شهری را مطرح می‌کند (کالن، ۱۳۷۷). رویکرد کالن علیرغم بداعتش در زمینه ادراک زیبایی در حین حرکت، به دلیل تأکید بر جنبه‌های ادراکی - احساسی شخصی از تجربه منظر شهری مورد انتقاد قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، زیبایی‌شناسی شهری قابلیت رقابت با دیدگاه‌های جیکوبز و نیومن که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در علوم اجتماعی و علوم رفتاری توسعه می‌یافتند (Jacobs, 1961; Newman, 1972) یا نظریه‌های پدیدارشناسانه شامل کارهای رلف یا جکسون (Relph, 1976; Jakson, 1980)، و یا مبانی نظریه‌ای و فلسفی کارهای نوربرگ شولز (Norberg-Schulz, 1980) در دهه بعد را نداشت. این مفاهیم فکری جدید و توجه به ابعاد مختلف طراحی شهری، بحث‌های زیبایی‌شناسی و به طور خاص پیتورسک و رویکرد کالن را تضعیف کرد و مطالعات زیبایی‌شناسی فرمی منظر شهری را به حاشیه راند. به تدریج زیبایی‌شناسی منظر شهری از حوزه تأکیدات عینی و احساسی و تخصص‌گرایانه مربوط به کیفیات بصری یعنی فرم، رنگ و بافت به حوزه مطالعات ادراکی - ذهنی از محیط شهری انتقال یافت. به همین دلیل، نظریه‌های زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری بیش از آنکه در حوزه کالبدی طراحی شهری مطرح شود در حوزه مطالعات روانشناختی محیط بسط می‌یابد از آن جمله می‌توان به نظریه بقای اپلتون در ترجیحات زیبایی اشاره کرد که ارتباطی بین شرایط مناسب برای بقا و زیبایی جستجو می‌کند (Appelton, 1984). استفان کپلان در نظریه تکاملی وی بر اطاعات مردم و میزان آشنایی با منظر، جهت‌یابی، و کشف اطلاعات جدید در ترجیح زیبایی تأکید دارد (امین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳-۱۴). در دیدگاه زیبایی‌شناسی محیطی، فضای شهری، فضایی است که زیبا باشد و معیارهای زیبایی‌شناسانه در ایجاد آن دخالت داشته باشند و این یعنی مترادف بودن طراحی شهر با خلق فضای زیبای شهری. طبیعی است که با پذیرش این نظریه، نباید جهان‌بینی و تفکری را که

بنیاد «قواعد زیبایی‌شناسی» خواهد بود، مغفول نهاد و در حقیقت این جهان‌بینی است که معیارهای زیبایی فضای شهر را سامان خواهد داد و فضاهای شهری در تمدن‌های مختلف را متمایز خواهد نمود. بنابراین تقلید از قواعد زیبایی‌شناسی دیگران زمینه‌ساز از خود بیگانگی و بحران هویت خواهد شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۱). در روند ایجاد محیط و فضای زیبا در شهر توجه به نکات زیر به عنوان اساس کار ضرورت دارد: باید توجه کرد که مفاهیمی چون زینت و تزئین و آرایش، جایگزین زیبایی نشوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۴، ب). در زیباسازی شهر یا ایجاد شهر (فضا و محیط) زیبا، نباید تنها بر زیبایی صوری متمرکز بود و سایر مراتب زیبایی را مغفول نهاد. در حقیقت مجموعه‌ی مراتب زیبایی یک شهر باید علاوه بر ادراک حسی انسان و ابزار این ادراک، سایر قوای مدرکه‌ی او را نیز متأثر نموده و در واقع، علاوه بر ادراک حسی، ادراکات روانی و معنوی و باطنی انسان نیز باید زیبایی شهر را به انسان القاء کنند. زیبایی باید بومی و ملی (برآمده از فرهنگ و جهان‌بینی جامعه) و به عبارت ساده «با هویت» باشد و به تعبیر دیگر هویتش با هویت جامعه هماهنگ باشد تا جامعه بهتر بتواند آن را درک و با آن رابطه برقرار کرده و در اثر تماس با آن احساس هویت و استقلال نماید. بزرگترین اشکال تکرار و تقلید الگوهای زیبایی مأخوذ از الگوهای بیگانه (یا زیبایی‌های خلق شده با معیارهای اجنبی)، ایجاد بحران هویت و از خود بیگانگی و احساس حقارت در جامعه است. معیارهای مراتب مختلف زیبایی باید در دسترس و مورد شناخت طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران و اهل شهر باشند تا امکان ارزیابی زیبایی و تعیین مرتبه آن و همچنین شناسایی ساحتی از حیات انسان که زیبایی، ما بازا و مرتبط با آن است وجود داشته باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۸۰-۲۹۳). دو مکتب فکری برای درک زیبایی قابل تعریف هستند. یکی عوامل ادراکی در زمان ادراک را مد نظر دارد و دیگری عوامل غیرادراکی، مثل فرهنگ، دانش علمی و الگوها را موثر می‌داند. با توجه به منابع دریافت اطلاعات انسان، با ملحوظ داشتن آرمان و ایده‌آل‌های انسان که از جهان‌بینی و فرهنگش سرچشمه می‌گیرند و با عنایت به ادراکات انسان، می‌توان عواملی را

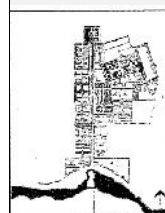
استفاده از ابعاد زیبایی شناسی محیطی در استخوانبندی اصلی شهر اصفهان

چنانچه فرم شهرهای کهن در نقاط مختلف جهان بررسی شود، در بسیاری از آنها وجود یک استخوان بندی مشخص مشهود است که مؤید نقش و اهمیت استخوان بندی اصلی نه تنها در ادامه حیات شهر بلکه در رشد و یافتن نظم و سازمانی فضایی است. به نظر می رسد یکی از وجوه مشترک در شکل گیری، بقا و احیای استخوان بندی اصلی شهرها، استفاده از مؤلفه های زیبایی شناسی محیطی (بصری - فرمی و ادراکی - معنایی) در طراحی شهری و سازماندهی فرم اینگونه شهرها باشد. در جدول شماره ۳ استخوان بندی اصلی شهر اصفهان و نقش ویژگی های زیبایی شناسی محیطی در شکل گیری فرم آنها تحلیل شده است. تاریخ اصفهان از دو هزار و پانصد سال پیش شروع شد. این شهر در دوران حکومت آل بویه، سلجوقیان و صفویه پایتخت بوده است. ابن حوقل (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ص ۱۰۹) (قرن چهارم هجری) از دو بخش در اصفهان نام می برد، یکی موسوم به «یهودیه» و دیگری موسوم به «شهرستان» و میان آنها دو مایل فاصله است. یهودیه بزرگتر از شهرستان و در حدود دو برابر آن است. جی شهری حکومتی با طرح پیش آماده شده، تابع نظم هندسی با دیوار و دروازه ها و کاخ ها و بناها و باغ های معین بوده است. میدان بیرون دروازه ی یهودیه، حتی برعکس جانشین آن، میدان کهنه، می بایست دارای طرحی هندسی بوده باشد. در مقابل یهودیه شهری بدون هندسه ی منظم، بدون طرحی از پیش آماده شده بوده است و بناهای عمده آن، از جمله کنیسه ها، در روند شکل یابی از درون به بیرون از نظم هندسی تابعیت کرده و با (بی نظمی) بیرونی پیوند می خوردند. این روند در سراسر توسعه ی شهر اصفهان تا قبل از صفویه مشاهده می گردد (میرفندرسکی، ۱۳۷۴، ص ۷-۱۲). اصفهان در دوران صفویه و حکومت شاه عباس اصفهان پس از قزوین پایتخت صفویه می گردد. در سفرنامه ها آمده است در دوران حکومت شاه عباس شهر اصفهان یکی از توسعه یافته ترین شهرهای ایران بوده و این شهر دارای خیابان های عریض، میدان های بزرگ، مساجد و کاخ های

به عنوان عوامل ادراک زیبایی معرفی نمود. به عبارت دیگر، عواملی قابل طرح هستند که انسان هایی با تفکر، فرهنگ، محیط و آرمان های متفاوت، آن عوامل را به عنوان عامل درک زیبایی می شناسند و در هر صورت (با شدت و ضعف متفاوت) آنها را عامل زیبا بودن یک پدیده به شمار می آورند. برخی عوامل مؤثر بر ادراک زیبایی شهر عبارتند از: وحدت، تجرد، حیات، تناسب، رنگ، حس کمال، ارتباط با تاریخ، کمال مطلوب، ارضای نیازها، تخیل ناظر، تعصبات، ارزش ها، ممارست، کرامت انسان، ارزش گذاری، توجه به کلیت، اقناع ادراکات حسی، نماد و نشانه و رمز و معنا، تازگی و طراوات، سلیقه، شلوغی و ازدحام، آگاهی دادن، بری بودن از زشتی ها (همان، ص ۲۹۳-۳۰۲). با توجه به آنچه گفته شد امروزه توجه به زیبایی شناسی محیطی، تبیین مؤلفه های آن و استفاده از این مؤلفه ها در تحلیل فضاهای شهری از ضروریات طراحی شهری است. گلکار، مؤلفه های زیباشناختی محیطی در طراحی شهری را شامل موارد زیر می داند:

۱. مؤلفه های بصری - زیباشناختی محیط کالبدی - فضایی (محیط عینی) شامل استخوان بندی فضایی، سازمان کالبدی، جایگشت، توده - فضا، نقشه نولی، مواد و مصالح و غیره؛
 ۲. مؤلفه های بصری - زیباشناختی محیط ادراکی حسی (محیط ادراکی) شامل کیفیت منظر عینی، تحلیل ساختاری نمای شهری و غیره؛ و
 ۳. مؤلفه های بصری - زیباشناختی محیط ادراکی ذهنی (محیط شناختی) شامل کیفیت منظر ذهنی (فضایی و زمانی)، منظر ذهنی ارزیابانه، معانی انضمامی، سرزندگی و غیره (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵).
- نگارندگان این نوشتار بر این عقیده هستند که ابعاد زیبایی شناسی محیطی در طراحی شهری به دو گروه اصلی ابعاد بصری - فرمی و ادراکی - معنایی تقسیم میشوند. ابعاد بصری - فرمی دربرگیرنده ی خصوصیات بصری محیط کالبدی مانند فرم و منظر عینی شهری و ابعاد ادراکی - معنایی دربرگیرنده ی خصوصیات ادراکی محیط اجتماعی و رفتاری مانند سیما و منظر ذهنی شهر هستند.

اصفهان، ایران



پادشاهی متعدد بوده است که تعدادی از آن‌ها همچنان باقی است. توجه شاه عباس به توسعه و تکامل و زیبایی اصفهان برای رقابت با پاریس و لندن آن زمان نبوده است، بلکه هدف وی از رونق انداختن قسطنطنیه پایتخت دشمن درجه یک ایران بود. از اینرو تصمیم گرفت اصفهان را که پایتخت امپراتوری صفویه بود چنان بیاراید که مورد توجه سیاحان، تجار و سفرای خارجی قرار گیرد (شفتی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۹).

جمع بندی و نتیجه گیری

گفته شد که استخوان بندی اصلی هر شهر مشخصه‌ای

بنیادی از فرم شهر است که نقشی قابل توجه در ثبات، تداوم، هویت، اصالت و معنی هر شهر دارد. همچنین دیده شده که ویژگی‌های زیبایی شناسی محیطی همواره نقشی برجسته در شکل گیری استخوان بندی اصلی شهرها داشته‌اند. همچنین در این نوشتار ابعاد زیبایی شناسی محیطی فرم شهر به دو گروه ابعاد بصری- فرمی و ابعاد ادراکی- معنایی تقسیم شده‌اند. این ابعاد عبارتند از:

۱. ابعاد زیبایی شناختی- فرمی شامل: کیفیت منظر طبیعی زمین و عناصر آن، کیفیت منظر توده‌ها و بناها و عناصر آنها، کیفیت منظر فضاهای عمومی و عناصر آنها، تداوم، تنوع فرم‌ها، کیفیت دیدها و چشم اندازها و

جدول ۳. تبیین نقش ویژگی‌های زیبایی شناسی محیطی در استخوان بندی اصلی شهر اصفهان. ماخذ: نگارندگان.

نام شهر	ویژگی‌های استخوان بندی شهر اصفهان در دوره صفویه	ابعاد زیبایی شناسی محیطی	چگونگی تاثیر مؤلفه‌های زیبایی شناسی محیطی
اصفهان، ایران	شهر اصفهان در دوره صفویه چهاربخش اصلی تقسیم می شده است: بخش اول: شهر قدیم اصفهان و توسعه آن بدست شاه عباس تا دروازه حسن آباد در جنوب شرقی، بخش دوم شهر جدید صفوی: محله تبریز نو یا عباس آباد در غرب شهر قدیم؛ بخش سوم محله جلفا (ارمنی نشین) در جنوب غربی و بخش چهارم گبر آباد در جنوب شرقی. احداث محورشمالی- جنوبی چهارباغ از دروازه دولت تا باغ هزارجریب در دامنه کوه صفه، عاملی است در جهت پیوند و اتصال بخشهای چهارگانه شهر. عملکردی که از دو محور اصلی شهر (چهارباغ و زاینده رود) و اتصال آن دو با یکدیگر پدید می آید، عملکردی تفریحی، عمومی، خصوصی و سلطنتی است.	ابعاد بصری- فرمی	کیفیت منظر طبیعی زمین و عناصر آن
			کیفیت منظر توده‌ها و بناها و عناصر آنها
			کیفیت منظر فضاهای عمومی و عناصر آنها
			تداوم
			کیفیت دیدها و چشم اندازها
			تنوع فرم‌ها
			هماهنگی با زمینه
			تاکید بر بناهای اصلی در فضاهای عمومی
	میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ نقش ساختاری در شکل گیری بافت شهری دارند. این دو فضا ایجاد کننده دو شبکه متمایزاند که باغها و حیاطها را سازمان می دهند. میدان سازماندهی بافت تودرتوی دولتخانه را به عهده دارد در حالیکه خیابان چهارباغ تعیین کننده جهت باغهای کنار آن و زوایای شبکه خیابانهای عمودی محله شمس آباد، عباس آباد و چرخاب است.	ابعاد معنایی- ادراکی	هویت
			خوانایی
			معنی
			قابلیت ادراک
			تصویر ذهنی منسجم
			غنا فعالیتها
			محیط فرهنگی و اجتماعی
			ویژه معماری خاص و تزئینات

هماهنگی با زمینه؛
 ۲. ابعاد ادراکی- معنایی شامل: هویت، خوانایی، معنی، (بصری-فرمی و ادراکی-معنایی) و انگاره‌های وابسته به قابلیت ادراک، تصویر ذهنی منسجم، سازی، محیط آن‌ها تدقیق شده است.
 فرهنگی و اجتماعی، غنای فعالیت‌ها. در همین زمینه و

جدول ۴. ابعاد زیباشناسی محیطی در طراحی شهری. ماخذ: نگارندگان.

ابعاد زیبایی شناختی محیطی	مفهوم
کیفیت منظر طبیعی زمین	شکل و فرم زمین
	شکل زمین چگونه است؟ پستی و بلندی های آن چگونه است؟
	گیاهان و درختان
	چه نوع درختانی در حوزه مورد نظر به کار گرفته شده‌اند؟ موقعیت مکانی، گونه‌ها، وضعیت، ابعاد.
هماهنگی با زمینه	بافت زمین
	جنس و مصالح سطح زمین چگونه است؟ آیا دارای ویژگی های قابل احساس و تاثیر گذار هست؟
	جهت گیری
	نحوه ارتباط شیب زمین در سایت مورد نظر با بهره‌مندی از نور طبیعی و ویژگی های اقلیمی چگونه است؟
کیفیت منظر توده‌ها	۴
	معماری زمینه و بافت موجود چگونه است؟ آیا دارای قانونمندی‌های مشخص هست؟ آیا به این قانونمندی‌ها توجه شده است؟
	حفظ پیوستگی تاریخی
	شکل گیری زمینه و بافت موجود در طول زمان چگونه بوده است؟ آیا نوعی تداوم و پیوستگی در دوره های مختلف به چشم می‌خورد؟
کیفیت منظر توده‌ها	الگوی توسعه
	الگوی خیابان بندی بافت و جهت های توسعه چگونه است؟ آیا ویژگی های زمینه هماهنگ هست؟
	حفظ هویت کالبدی زمینه
	آیا به حفظ جنبه ها و ویژگی های کالبدی تاریخی و هویتمند بافت در توسعه‌های بعدی توجه شده است؟
کیفیت منظر توده‌ها	رنگ و بافت
	چه رنگ ها و بافت های شاخصی در ساختمان ها، سازه ها و سطوح حوزه مورد نظر دیده می شود؟
	تنوع نماها و جداره‌ها
	چند گونه نمای شاخص در ساختمان های حوزه مورد نظر دیده می شود؟ آیا این گونه ها متنوع هستند؟
کیفیت منظر توده‌ها	عناصر ساختمانی ویژه
	آیا عناصر ساختمانی خاص (پنجره ها، درها، کنج ها، نرده ها و حفاظ ها، بالکن ها و دودکش ها) در حوزه مورد نظر وجود دارند؟
	ریتم و الگو
	ترکیب توده‌ها در حوزه مورد نظر از چه نظم و قواعدی برخوردار است؟ آیا الگوها و ریتم های واضح و قابل تشخیص وجود دارند؟
کیفیت منظر توده‌ها	جزئیات جذاب
	آیا از قابلیت جزئیات و مصالح ساختمانی در جهت افزودن به جذابیت توده‌ها استفاده شده است؟
	مصالح ساختمانی
	چه نوع مصالح ساختمانی در توده‌هایی که فضاهای عمومی را شکل می‌دهند، به کار رفته‌اند؟
کیفیت منظر توده‌ها	فرسودگی کالبدی توده‌ها
	عمر ساختمان ها و سازه های حوزه مورد نظر چقدر است؟ آیا فرسودگی کالبدی در توده ها وجود دارد؟
	دانه‌بندی و تراکم بافت کالبدی
	آیا دانه‌بندی توده‌ها از تعادل بهره‌مند است؟ آیا هماهنگی ارتفاعی در تراکم ساختمانی به چشم می‌خورد؟

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
 No.35 Summer 2014

تداوم	تداوم قانونمندی در بدنه‌ها	آیا خطوط ساختمان‌ها ممتد بوده و یا انفصال و عقب نشینی‌های غیر معمول در آن‌ها وقفه ایجاد کرده است؟
	جداره‌های فعال	فعالیت در جداره‌های طبقه همکف، متداوم است یا منفصل؟ آیا تداوم جداره‌های فعال در طول بدنه‌ها حفظ شده است؟
کیفیت منظر فضاهای عمومی	نفوذ پذیری بصری	آیا فضاهای عمومی در معرض دید قرار دارند؟
	تناسبات بصری	جذاب‌ترین ویژگی‌های بصری حوزه مورد نظر چیست؟
	کیفیت ساخت و مصالح	کیفیت ساخت و مصالح به کار رفته در کف سازی، دیوارها، پله‌ها و شیب فضاهای عمومی چگونه است؟
	فضای سبز	چه درختان، باغچه‌ها یا نواحی چمن کاری شده یا فضاهای سبزی در فضاهای عمومی وجود دارند؟
	میلان شهری	چه نوع علائم، نیمکت‌ها، سطل‌های زباله، راه بندها و نرده‌هایی در فضاهای عمومی حوزه مورد نظر وجود دارند؟
	وجود سازه‌هایی با قابلیت جابجایی	چه ایستگاه‌های اتوبوس، کیوسک‌ها، دکه‌ها، مراکز اطلاع رسانی، پل‌های عابر پیاده، چراغ‌های راهنمایی و سازه‌ها در محل وجود دارند؟
	خط آسمان	آیا ساختمان‌هایی که خط آسمان فضای عمومی را به وجود می‌آورد واجد کیفیت هارمونی، هماهنگی و یا تاکید هستند؟
	خط بام	منظر بام محل از درون و بیرون حوزه مورد نظر چگونه است؟
	منظر شبانه	آیا نوع نورپردازی و ویژگی‌های عناصر منظر شبانه به ارتقا کیفیت فضاهای عمومی کمک می‌کنند؟
	گوناگونی ساختارها و قانونمندی‌ها	چه جنبه‌هایی از حوزه مورد نظر یا ساختمان‌های موجود آن به قابلیت محل برای پذیرش تنوع فرم‌ها کمک می‌کنند؟
تنوع فرم‌ها	گوناگونی جزییات	آیا تنوع جزییات در شکل‌ها و فرم بناها در حوزه مورد نظر به تنوع فرم‌ها منجر شده است؟
	دیدهای بسته	آیا دیدهای با کیفیت و متباین از درون حوزه مورد نظر به سمت عناصر واقع در حوزه وجود دارد؟
کیفیت دیدها و چشم‌اندازها	دیدهای یکپارچه و پانوراما	آیا محل‌هایی در حوزه‌ی مورد نظر وجود دارند که فرصت بهره‌مندی از دید پانوراما به محدوده‌های مشخص از سایت را به استفاده کننده از فضا بدهند؟
	دیدهای راهبردی	آیا از درون حوزه مورد نظر به مناظر دوردستی که واجد کیفیت باشند فرصت دید مطلوب وجود دارد؟ آیا از نقاط دوردست خارج از محدوده مورد نظر، دید به مناظری با کیفیت در حوزه مورد نظر وجود دارد؟
	دیدهای محوری	آیا در حوزه مورد نظر «کریدور دید» که دربرگیرنده فرصت دید محوری به نشانه‌های مهم شهری و کیفیت‌های بصری باشد وجود دارد؟
	حدود واضح و روشن	آیا حدود حوزه مورد نظر با عناصر ویژه و قابل تشخیص کاملاً مشخص شده است؟
هویت	لبه‌ها و موانع	آیا مرزها و موانعی ویژه به خصوص در لبه (یا داخل) حوزه مورد نظر وجود دارند که به حوزه مورد نظر شخصیت ویژه‌ای ببخشند؟
	آستانه‌ها	آیا آستانه‌هایی را در لبه و یا درون ناحیه (به طور بالفعل و بالقوه) می‌توان شناسایی نمود که در آن‌ها ساکنان‌ها، کارکرد و کاراکتر حوزه مورد نظر تغییر کند؟
	بناهای شاخص و تاریخی	آیا در حوزه مورد نظر ساختمان‌هایی وجود دارند که به دلیل ارزش معماری یا تاریخی شان به شناخته شده باشند؟
	اجتماعات محلی	آیا اجتماعات محلی همگن در حوزه مورد نظر شکل گرفته است؟

خوانایی	نشانه ها	آیا ساختمان ها و سازه هایی انسان ساخت یا عناصر سبز و طبیعی (واقع در حوزه مورد نظر و یا قابل رؤیت از محل) وجود دارند که در مقابل منظر پس زمینه خود به طور شاخص و برجسته ادراک می شوند؟
	دروازه ها	آیا محله هایی در لبه حوزه مورد نظر یا درون آن وجود دارند که بتوان آن ها را به عنوان دروازه ورود به محل (یا با توانایی و موقعیت بالقوه دروازه) در نظر آورد؟
	حوزه ها	آیا حوزه های مشخص (از نظر کالبدی، عملکردی یا بافت اجتماعی) در محدوده ی مورد نظر وجود دارند که به خوانایی محدوده کمک کنند؟
	گره های کالبدی	آیا نقاطی متمرکز و شاخص با معماری ویژه و همگن در حوزه مورد نظر وجود دارد؟
قابلیت ادراک	پیچیدگی و تضاد	آیا در ارتباط بین عناصر در حوزه طراحی، پیچیدگی و تضاد که به درک ارتباط بین عناصر کمک کند وجود دارد؟
	نظم و هماهنگی	آیا در ارتباط بین عناصر در حوزه مورد نظر سازمان و قانونمندی های واضح و قابل ادراک وجود دارند؟
تصور ذهنی منسجم	منظر ذهنی و ادراک	آیا افراد (ساکنین و افراد غریبه) تصویر ذهنی واضح از محل دارند؟ اگر دارند این تصویر چگونه است؟
محیط فرهنگی و اجتماعی	رویدادها و همایش ها	آیا در حوزه مورد نظر رویدادها و فستیوال های فرهنگی و هنری دوره ای برگزار می گردد؟
	جنبه های میراث فرهنگی	آیا حوزه مورد نظر دارای میراث های فرهنگی مربوط به شیوه زندگی مردم در گذشته و حال می باشد؟
غنای فعالیت ها	گره های فعالیتی	آیا در حوزه مورد نظر نقاط تمرکز فعالیت ها و تلاقی مسیرها وجود دارد؟
	پهنه بندی و سازگاری فعالیتی	آیا کاربری ها در حوزه مورد نظر در عین گوناگونی دارای هماهنگی و سازگاری هستند؟
	اختلاط کاربری ها	آیا ترکیب کاربری ها و اختلاط فعالیت ها برای حوزه مورد نظر مناسب است؟

انگاره های نظام بصری در محلات بافت فرسوده شهری نمونه موردی: محله عباسی تهران، نشریه علمی پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، سال دوم، شماره ۲، بحرینی، سید حسین، (۱۳۸۲) فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۶. بحرینی، سید حسین و بهناز امین زاده (۱۳۸۵). طراحی شهری در ایران: نگرشی نو، فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۶.

۷. بذرگر، محمدرضا (۱۳۷۷). بررسی و شناخت ساخت اصلی شهر نمونه موردی در ایران شیراز، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری و شهرسازی.

۸. بنتلی و دیگران (۱۳۸۲) محیط های پاسخده، ترجمه:

امید است نتایج حاصل از این پژوهش بتواند در تحلیل بصری - زیبایی شناختی فرم کلان شهرهای معاصر ایران بر اساس ابعاد زیبایی شناختی محیطی استفاده شود.

منابع و مآخذ

۱. ابن حوقل، (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل، مترجم: جعفر شعار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۸). حقیقت و زیبایی: درس فلسفه هنر، نشر مرکز، تهران.
۳. امین زاده، بهناز (۱۳۸۹)، ارزیابی زیبایی و هویت مکان، نشریه علمی و پژوهشی هویت شهر، شماره ۷.
۴. انصاری مجتبی، پور جعفر محمدرضا، صادقی علیرضا و مهدی حقیقت بین (۱۳۸۸). بازشناسی

- مصطفی بهزاد فر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۹. بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر، الگو، ادراک و فرآیند، ترجمه: بهناز امین زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. بیکن، ادموند (۱۳۷۶)، طراحی شهرها، ترجمه: فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۱. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵ الف) سیمای شهر آنچه کویین لینچ از آن می فهمید، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دور جدید).
۱۲. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵ ب) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، جلد اول، چاپ اول، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۳. پاکزاد؛ جهانشاه، (۱۳۸۱) کیفیت محیط شهری، مطالبه معوقه شهروندان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره
۱۴. پاکزاد؛ جهانشاه (۱۳۸۶) مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، جلد دوم، تهران: انتشارات شهیدی
۱۵. پورتیوس، داگلاس (۱۳۸۹) زیبایی شناسی محیط زیست؛ ترجمه محمد رضا مثنوی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی
۱۶. پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۱)، معیارهای طراحی شهری در طراحی مساجد، فصلنامه مدرس هنر، شماره ۱.
۱۷. پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۲)، توجه به معیارهای طراحی شهری در انتخاب سایت مخابراتی تهران، فصلنامه آبادی، شماره ۳۸.
۱۸. پورجعفر، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۵)، مبانی طراحی محورهای شاخص شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دور جدید).
۱۹. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸) مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، تهران: انتشارات پیام
۲۰. توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۱)، طراحی فضای شهری، جلد ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
۲۱. توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۲) طراحی فضای شهری، جلد ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
۲۲. تولایی، نوین (۱۳۸۶) شکل شهر منسجم، انتشارات امیرکبیر، تهران
۲۳. جنکس، چارلز (۱۳۸۳) پست مدرن چیست، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، نشرنی، تهران
۲۴. جورابچی، کیوان (۱۳۸۲) زبان مسکن شهری، پایان نامه ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۲) نقش فرم، الگو و اندازه شهر در کاهش آسیب پذیری از زلزله، هشتمین سمینار بین المللی پیش بینی برابر زلزله تهران: دانشگاه تهران و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
۲۶. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۵)، کنکاشی در الگوی ساختاری و استخوانبندی شهرهای کهن ایران، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
۲۷. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۶)، استخوانبندی شهر تهران، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهرداری تهران
۲۸. شپرد (۱۳۷۷). مبانی فلسفه هنر، ترجمه علی رامین. تهران: هرمس
۲۹. شفتی، سیروس، (۱۳۸۱)، جغرافیای اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان
۳۰. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) مقدمه ای بر برنامه ریزی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۳۱. ضمیران، محمد (۱۳۷۷) جستارهای پدیدارشناسانه پیرامون هنر و زیبایی، تهران: نشرکانون
۳۲. ضمیران، محمد (۱۳۸۰) اندیشه فلسفی در پایان هزاره دوم، هرمس، تهران
۳۳. کوآن، رابرت (۱۳۸۵). اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کورش گلکار و سولماز حسینیون، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلیمی.
۳۴. طیبی، غفاری (۱۳۸۹) راهبردهای مطالعه فرم شهری در ایران، همایش ملی معماری و شهرسازی، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی
۳۵. کریر، راب (۱۳۷۵) فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، تهران، جهاد دانشگاهی.

۳۶. گات، بریس و دومینیک مک آیور لوپس (۱۳۸۹) دانشنامه زیبایی شناسی، ترجمه صانعی دره بیدی و دیگران، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ چهارم
۳۷. گروتز، یورک (۱۳۸۳). زیبایی شناسی در معماری، ترجمه: جهان‌شاه پاکزاد، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۸. گلکار، کوروش (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعاریف طراحی شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳۹. گلکار، کوروش (۱۳۸۵). مفهوم منظر شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دوره جدید)
۴۰. گلکار، کوروش (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری. نشریه علمی پژوهشی صدف شماره ۳۲
۴۱. گلکار، کوروش (۱۳۸۲). از تولد تا بلوغ طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی صدف، شماره ۳۶
۴۲. گیدیون، زیگفرید (۱۳۸۱). فضا، زمان، معماری، ترجمه: منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۳. لنگ، جان (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری، ترجمه علی‌رضا عینی فر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۴. لنگ، جان (۱۳۸۶). طراحی شهری، گونه شناسی رویه‌ها و طرح‌ها، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۴۵. لینچ، کوین (۱۳۸۱). سیمای شهر ترجمه منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۴۶. لینچ، کوین (۱۳۸۱). بازنگری در سیمای شهر ترجمه کوروش گلکار، نشریه علمی پژوهشی صدف، شماره ۳۴
۴۷. لینچ، کوین؛ (۱۳۸۴). تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۴۸. مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران
۴۹. موریس، جیمز (۱۳۷۴). تاریخ شکل شهر. ترجمه راضیه رضازاده. انتشارات دانشگاه علم و صنعت چاپ دوم
۵۰. مولوی، مهرناز (۱۳۸۴). تحلیل فرمال فضاها
- شهری و پایه‌های فلسفی آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۱
۵۱. میرفندرسکی، محمدامین (۱۳۷۴)، باغ به مثابه‌ی پیش‌آیند شهر، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ بم - کرمان
۵۲. نقی زاده، محمد (۱۳۷۵) تقابل سبک‌های معماری وارداتی با ارزش‌ها و اصول حاکم بر معماری اسلامی، مجموعه مقالات سومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۵۳. نقی زاده، محمد (۱۳۷۹) رابطه هویت سنت معماری ایرانی با مدرنیسم و نوگرایی، مجله هنرهای زیبا شماره ۷، تابستان.
۵۴. نقی زاده، محمد (۱۳۸۴) جایگاه طبیعت و محیط‌زیست در فرهنگ و شهرهای ایران، تهران، واحد علوم و تحقیقات.
۵۵. نقی زاده، محمد (۱۳۸۱) تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگ، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۱، تابستان.
۵۶. نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو اسلامی، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۵۷. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) معماری و شهرسازی اسلامی، اصفهان، راهیان.
۵۸. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی تجلیات عینی و تألیفی، اصفهان: راهیان.
۵۹. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷) شهر و معماری اسلامی تجلیات و عینیات اصفهان: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
۶۰. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷) مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی. اصفهان، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
۶۱. نبوتن، اریک (۱۳۶۶) معنی زیبایی، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۶۲. هاس‌پرز، جان و اسکرانتین راجر (۱۳۸۰). فلسفه هنر و زیبایی شناسی، ترجمه یعقوب آژند، دانشگاه تهران، تهران.

63. Appelon, J., (1984), "Prospects and refuges revisited" Landscape Journal 8
64. Boyer, Ch., (1994), "The city of collective memory", MIT press, USA.
65. Carmona, mattew (2006) Public places –urban spaces, Architectural press, Oxford
66. Encyclopedia of aesthetics (1988). Editor in chief: Michael Kelly, vol (2), entry of formalism, pp 213-225, oxford
67. Encyclopedia of britannica (1991), vol 9, hay cock press
68. Gibberd, F., (1955), Town Design", London: Architectural Press.
69. Halprin, L. (1966), "Freeways", New York, Reinhold.
70. Jacobs, J. (1961), "The Death and Life of Great American Cities", New York: Random House
71. Jakson, J. B. (1980), "The necessity for ruins", Amherst; Uinversity of Massachusetts Press.
72. Kaplan. R. and Kaplan. S. (1991), "The Experience of Nature: A Psychological Perspective", Cambridge University. Cambridge, UK
73. Kaplan. S., (1987), "Aesthetics, affect, and cognition: environmental preferences from an evolutionary perspective", Environment and Behavior 19.
74. McGann, Jerome (2004). Beauty, the Irreal and the willing assumption of disbelief. Journal of critical inquiry, pp 717-738
75. Norberg-Schulz, C., (1981), "Genius Loci: Paysage, Ambiance, Architecture", Brussels; Mardaga.
76. Relph, E. (1976), "Place and Placelessness, pion" London.
77. Newman, O, (1972), "Defensible space : people and design in the violent city", London, Architectural Press.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

■ ۱۰۲ ■